



آیا خطبه پیامبر(ص) در غدیر درباره رفع اختلاف دو نفر بوده است؟

آیا شایسته است واقعه غدیر را به عنوان حل اختلاف دو نفر تفسیر کنیم؟! اگر این دو نفر غیر علی(ع) هستند، چه ارتباطی به این واقعه دارند و اگر یکی از آن دو نفر حضرت علی(ع) است، این اختلاف در یک مجلس خصوصی قابل رفع بود.

آیا شایسته است واقعه غدیر را به عنوان حل اختلاف دو نفر تفسیر کنیم؟! اگر این دو نفر غیر علی(ع) هستند، چه ارتباطی به این واقعه دارند و اگر یکی از آن دو نفر حضرت علی(ع) است، این اختلاف در یک مجلس خصوصی قابل رفع بود.

به گزارش خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، آیت‌الله‌العظمی سبحانی در یادداشتی به پاسخ به یک شبهه در مورد غدیر پرداخته‌اند که بر اساس آن غدیر بی‌ارتباط با حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) دانسته شده است. در ادامه این یادداشت را می‌خوانید.

زائری از واقعه تاریخی غدیر خم سؤال کرد که مأمور ارشادی [در سعودی] چنین گفت: واقعه غدیر به خاطر اختلافی که بین دو مسلمان بود، رخ داد و پیامبر مأمور شد که آن اختلاف را رفع کند، سپس گفت: تاریخ گواهی می‌دهد که اصلاً حدیث غدیر خم هیچ ارتباطی با خلافت علی نداشته است و علی هم در این مورد ادعایی ندارد!!

پاسخ:

مأمور ارشادی در این سخن خود سه ادعا دارد:

1. واقعه غدیر برای رفع اختلاف بین دو مسلمان بود.
2. واقعه غدیر ارتباطی با خلافت علی(ع) نداشته است.
3. علی(ع) هم هیچ ادعایی در مورد خلافت نداشته است.

ما اکنون واقعه غدیر را به صورت فشرده نقل می‌کنیم تا میزان صحت ادعای مأمور ارشادی روشن شود.

هنگامی که پیامبر(ص) به جحفه رسید، امین وحی نازل شد و گفت باید پیامی را از طرف خدا به مردم برسانی و اگر این کار را نکنی، رسالت خود را انجام نداده‌ای. اینک متن پیام:

(یا ایها الرسول بلغ ما أنزل إلیک من ربک وإن لم تفعل فما بلغت رسالته واللّه یعصمک من الناس إنّ الله لا یهدی القوم الکافرین). [1]

این آیه، حاکی از اهمیت پیام است:

1. اگر انجام ندهد، رسالت خود را انجام نداده است،

2. در رسانیدن این پیام احتمال شورش مردم بر ضد پیامبر هست، ولی خداوند با جمله (والله یعصمک من الناس) به پیامبر اطمینان داد که او را از شرّ شورشیان حفظ می‌کند.

از این جهت پیامبر در آن هوای گرم دستور توقف کاروان حجاج را داد و فرمود آنها که پیشرو هستند، توقف کنند تا آنها که عقب هستند به ما برسند، سپس شبه منبری را از جهاز شتران ترتیب دادند، حضرت بر بالای منبر قرار گرفت و خطبه مختصری خواند و مردم را در سه چیز گواهی خواست، فرمود: «ألستم تشهدون أن لا إله إلا الله؟» همگان گفتند: «بلی یا رسول الله»، سپس حضرت از مردم بر رسالت خود، و حقانیت روز جزا اعتراف گرفت و پس از بیان مبانی و اصول اسلام، مسأله خلافت علی را مطرح کرد و سخن خود را چنین آغاز کرد: «ألست أولى بکم من أنفسکم؟ قالوا بلی یا رسول الله؛ آیا من به شما از خودتان سزاوارتر نیستم؟ همگی گفتند: «بلی یا رسول الله»، آنگاه فرمود: «من كنت مولاه فهذا علیّ مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه وانصر من نصره واخذل من خذله، ألا فليبلغ الشاهد الغائب». پس از این واقعه، این آیه فرود آمد:

(اليوم أكملت لكم دينکم وأتممت علیکم نعمتی ورضیت لکم الإسلام دیناً). [2]

«امروز دین شما را به کمال رساندم و نعمت خود را درباره شما تمام کردم و آیین اسلام را برای شما پسندیدم».

هوا به قدری گرم بود که زائران خانه خدا در آن صحرای گرم بخشی از عباهای خود را زیر پا گذاشته و برخی را بر سرکشیده بودند، با این حال، پیامبر بزرگوار اسلام، نظر به اهمیت موضوع، آن گردهمایی طولانی را در آن آفتاب سوزان، به امر خدا برگزار کرد تا پیش از پراکنده شدن مردم پیام خدا را برساند.

اکنون سؤال می‌کنیم: پیامبر چه پیام مهمی را می‌خواست برساند؟ آیا می‌خواست اختلاف دو مسلمان را رفع کند؟ آیا خنده دار

نیست که برای رفع اختلاف دو مسلمان یک چنین گردهمایی مهمی را پدید آورد و قرآن هم آن را به عنوان یک پیام مهم اعلام کند و پس از آن، آن را به عنوان اکمال دین و اتمام نعمت بیان نماید؟! اگر واقعاً هدف، رفع اختلاف دو مسلمان بود، پس چرا اصول معارف اسلام را در آغاز خطبه خود، بیان می کند: وحدانیت خدا، رسالت پیامبر، و حقانیت روز جزا.

تمام این قرائن نشان می دهد که هدف بیان جانشینی علی و رهبری او پس از درگذشت پیامبر است، بالأخص که در آغاز خطبه از نزدیک شدن رحلت خود گزارش می دهد و سپس می رساند که پس از رفتن من خلأ رهبری به وسیله علی (علیه السلام) پر خواهد شد.

آن گاه پیامبر برای تحکیم خلافت او، از علی (علیه السلام) می خواهد در میان خیمه بزرگی بنشیند و مسلمانان با او به عنوان یک رهبر پس از رسول خدا بیعت کند، حتی شیخین نیز با او بیعت کردند و این جمله را گفتند: «بخ بخ لک یا ابن ابی طالب أصبحت مولای ومولی کل مؤمن ومؤمنة».

مدارک آنچه که ما گفتیم، چیزی نیست که در این برگ گردآوری شود. علما و دانشمندان ما، کتاب های فراوانی درباره حدیث غدیر و مدارک و مصادر آن نگاشته اند، و حتی نزول دو آیه را درباره علی با مدارک فراوان، ثابت کرده اند. ما در این جا به دو کتاب اشاره می کنیم:

1. «عبارات الأنوار»، نگارش میرحامد حسین (م1306).

2. «الغدیر»، نگارش علامه امینی (م1390).

آیا شایسته است این واقعه را به عنوان حل اختلاف دو نفر تفسیر کنیم؟! اگر این دو نفر غیر علی (علیه السلام) هستند چه ارتباطی به این واقعه دارند و اگر یکی از آن دو نفر حضرت علی (علیه السلام) است، این اختلاف در یک مجلس خصوصی قابل رفع بود، تحلیل داستان غدیر از طریق رفع اختلاف میان دو نفر، مثل این است که زلزله اخیر ژاپن را با فرو ریختن چند قفسه از کتاب، تحلیل کنیم و بگوییم فرو ریختن این چند قفسه، سبب این زلزله قریب به 9 ریشتری و سونامی ویرانگر گردید. تا این جا بی پایگی هر دو سخن او روشن شد، یعنی این که واقعه غدیر برای رفع اختلاف بود، دیگر این که ربطی به خلافت علی نداشت.

اکنون به سخن سوم او می رسمیم که علی نیز ادعایی در این زمینه نداشته است»

می گوید علی نسبت به حدیث غدیر ادعایی نداشت، گفتار او یک نوع چشم پوشی از مصادر مسلم تاریخی است، علی (علیه السلام) در بسیاری از رویدادها به حدیث غدیر استناد کرده، حتی از یاران پیامبر بر آن گواهی خواسته است که یکی از آنها در حادثه «رحبه» است که در آنجا در میان گروهی از یاران پیامبر فرمود: به من بگویید: آیا گواهی می دهید که پیامبر درباره من فرمود: «من كنت مولا فلهذا علی مولا»، آنگاه همگان شهادت به راستگویی علی دادند، و فقط انس بن مالک از شهادت دادن خودداری کرد و گفت: من پیر شده ام و فراموشی گرفته ام، امیرمؤمنان فرمود: اگر دروغ می گویی امیدوارم پیش از مرگ گرفتار بیماری و بلایی رسوا کننده شوی، و به همین دلیل دچار پیسی شد و با عمامه خود آن را می پوشاند. [3]

شگفتا، حدیثی که 110 صحابی و قریب 90 تابعی و 360 دانشمند سنی و صدها دانشمند شیعی آن را نقل کرده اند و سخن سرایان و شاعران عرب آن را در قالب شعر ریخته اند که خود بخشی از ادبیات عربی را تشکیل می دهد، و پیوسته امام و فرزندان امام با آن حقانیت خلافت امام، و بی پایگی خلافت دیگران استدلال می کرده اند آیا می توان درباره آن گفت: هدف رفع اختلاف میان دو مسلمان بوده و ارتباطی به خلافت علی نداشته و امام نیز نسبت به آن ادعایی نداشته است؟ آیا «وهابیت» این گونه می خواهد ست رسول خدا را حفظ کند و با بدعت ها مبارزه نماید؟

از این گذشته، حدیث غدیر، پیوسته در میان صحابه و تابعان و تابعان تابعان مورد استدلال بر خلافت بوده و هرگاه می خواستند مخالف را ساکت کنند به حدیث غدیر تمسک می جستند، ولی اکنون افرادی بدون مطالعه کافی می خواهند اصل یا دلالت های آن را انکار کنند.

پی نوشت ها:

[1]. مائده/ 67. نزول آیه را درباره رویداد غدیر سی دانشمند سنی نقل کرده است. به کتاب شریف الغدیر، ج...، ص 423-438 مراجعه فرمایید.

[2]. مائده/ 3. نزول این آیه در رویداد غدیر، را شانزده دانشمند سنی نقل کرده است، به کتاب شریف الغدیر، ج1، ص 447-459 مراجعه فرمایید.

[3]. فضائل الصحابه، ج2، ص 586.